

مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران

۸. برنامه‌ریزی توسعه در کشور چین

کد موضوعی: ۲۳۰

شماره مسلسل: ۱۲۵۸۸

دفتر: مطالعات برنامه و بودجه

مهرماه ۱۳۹۱

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۳.....	۱. ویژگی‌های عمده اقتصادی چین
۵.....	۲. تجربه برنامه‌ریزی توسعه در چین
۱۸.....	۳. نقش دولت در توسعه اقتصادی کشور چین
۲۰.....	۴. نحوه تهیه و تدوین برنامه
۲۲.....	۵. نحوه نظارت و بازرسی در کشور چین
۲۷.....	۶. الگوی توسعه در کشور چین
۲۹.....	جمع‌بندی
۳۱.....	منابع و مآخذ



## مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران ۸. برنامه‌ریزی توسعه در کشور چین

### چکیده

برنامه‌ریزی در چین از نظر موضوعی مثل شوروی سابق، ابتدا با تأکید بر صنایع سنگین به روش مرکزی بود اما در طی زمان تنها به تعیین راهبردها به رهنمودهای کلی و هدف‌های ارشادی پرداخته و تشکیلات برنامه‌ریزی هم محدود شده است. تا سال ۱۹۷۰ ماهیت برنامه‌ها دستوری بوده و با گذشت زمان به سمت ارشادی شدن حرکت کرده و از اواسط سال ۱۹۹۰ با بحث احیای دولت برنامه‌ها از حیث ماهیت ارشادی‌تر شده‌اند. حوزه‌های مورد تأکید برنامه‌ها، ابتدا توسعه زیرساخت‌های صنعتی و بعد کشاورزی بوده، اما در ادامه نوین‌سازی اقتصاد و گشایش بیشتر درهای اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است و هم‌اکنون عمده تمرکز برنامه‌ریزان بر راهبردهای بهبوددهنده سطح دانش و توسعه انسانی بالاتر در کنار گسترش سطح رقابت‌مندی قرار دارد.

### مقدمه

کشور چین دارای ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت، چهارمین کشور پهناور جهان به‌شمار می‌رود. جمعیت چین بیش از ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر است

که قریب ۲۲/۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. که بیش از ۵۰ درصد مردم آن کشاورز هستند و صنعتگران ۲۴ درصد و کارمندان و بازرگانان ۲۶ درصد نیروی کار فعال این کشور را تشکیل می‌دهند. با وجود این حدود ۲۰۰ میلیون نفر از مردم چین با درآمد روزانه کمتر از ۱ دلار زندگی می‌کنند. سرزمین چین به ۲۲ استان (بدون تایوان)، ۵ منطقه خودمختار (که ۲ منطقه آن مسلمان‌نشین است)، ۴ منطقه مستقل شهرداری (تحت نظارت دولت مرکزی)، ۲ منطقه ویژه اداری و بیش از ۲ هزار شهرستان تقسیم می‌شود (سازمان بازرسی، ۱۳۸۶). چین از جمله کشورهای است که ظرف مدت کمتر از ۳ دهه از موقعیت یک کشور توسعه‌نیافته به ششمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده است و براساس برابری قدرت خرید چین دارای دومین اقتصاد بزرگ جهان و یک بازیگر اصلی در اقتصاد جهانی است. اقتصاد در چین به سرعت رو به گسترش است به‌ویژه پس از سال ۱۹۷۹ اصلاح ساختار اقتصادی در جهت سیاست‌های اصلاحات و سیاست اقتصادی درهای باز صورت گرفت، اوضاع اقتصادی کشور چین به طرز چشمگیری گسترش یافته است. چین کشوری است که در راه گسترش اقتصاد بازار، تغییر ساختار اقتصادی را گام نخست خود قرار داد و قابل ذکر است که در این راه ساختار عملکرد شرکت‌های مختلف در ۷۰ درصد کشور اصلاح و بازسازی شده است. این کشور اقدام جدی برای برنامه‌ریزی اقتصادی را از نیم قرن پیش آغاز کرد اما از آنجا که جهت‌گیری‌های به‌عمل آمده مبتنی بر نظام سوسیالیستی و به‌صورت متمرکز بود عملکرد برنامه‌های اجرا شده پیشرفت چشمگیری را در اقتصاد این کشور نشان نداد (تشکینی و عریانی). در ۲۵ سال اخیر



اقتصاد چین از برنامه‌ای نزدیک به تجارت بین‌المللی (اقتصاد باز) تبعیت می‌نماید که به سرعت در حال رشد بخش خصوصی (خصوصی سازی) است. این بهسازی نیز از اواخر دهه ۱۹۷۰ با کنار گذاشتن روش‌های سنتی مدیریت اقتصادی (خروج و پشت سر گذاشتن تدریجی اقتصاد کشاورزی و توسعه آزادی در نرخ‌ها، عدم تمرکز مالیاتی، افزایش آزادی در تشکیلات اقتصادی)، اصلاح ساختار اقتصاد خود (ایجاد اساس مختلف بانکداری، توسعه مراکز خرید، رشد مراکز خصوصی و فضای باز تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری) فرصت‌های بیشتری برای فعالیت نیروی بازار و بخش غیردولتی فراهم آورد. این اصلاحات برنامه‌ریزی اقتصادی این کشور را متحول ساخت و آن را از شرایط «سوسیالیستی دستوری» به «سوسیالیستی مبتنی بر بازار» سوق داد.

گزارش حاضر با هدف بررسی نوع جهت‌گیری برنامه‌ریزان چین در تدوین برنامه‌های توسعه‌ای این کشور از نظر نوع برنامه‌ریزی براساس موضوع، درجه مشارکت‌پذیری، افق برنامه‌ریزی، حد تفصیل و بعد مکانی و ماهیت برنامه‌ریزی در این کشور، تعامل دولت و بخش خصوصی، بازرسی و نظارت و فرآیند تدوین در کشور چین تنظیم شده است.

## ۱. ویژگی‌های عمده اقتصادی چین

- وجود یک بخش دولتی وسیع، این بخش اکنون نه در صنعت و نه در خدمات دارای اکثریت نیست، اما قلب و مرکز اقتصاد را در اختیار دارد و از این نظر تمرکز آن

- بیشتر می‌شود و هدف در این بخش ایجاد چند مؤسسه «قهرمان ملی» است که بتوانند در برابر چندملیتی‌های خارجی ایستادگی کنند.
- یک بخش تعاونی که ضعیف‌تر و چندوجهی است که بخش‌های قابل توجهی از جمعیت فعال شهری و به‌ویژه روستایی در این بخش کار می‌کنند.
- یک بخش سرمایه‌داری (بخش خصوصی) که کمتر از یک‌پنجم تولید ملی را نمایندگی می‌کند.
- یک بخش اقتصادی که عمدتاً مقروض بانک‌های دولتی می‌باشد.
- سیستم برنامه‌ریزی که نام آن را به نظارت اقتصاد کلان تغییر داده‌اند. این سیستم در بخش کالایی متکی به ابزارهای غیرمستقیم (انواع نرخ مالیات بر مؤسسات و مصرف، اعتبار و غیره) است.
- بخش خدمات عمومی که بودجه قسمت اعظم آن را دولت تأمین می‌کند یا در کنترل آن است.
- یک سیاست اقتصادی داوطلبانه<sup>۱</sup> مثلاً عدم استقلال بانک مرکزی.
- مالکیت عمومی زمین، زمین‌های کشاورزی تحت بهره‌برداری خانوارهاست که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.



## ۲. تجربه برنامه‌ریزی توسعه در چین

دهه ۱۹۵۰ را در چین می‌توان آغاز دوران برنامه‌ریزی توسعه در این کشور دانست که دو سال آغازین این دهه تحت عنوان «دوره تجدید حیات» خوانده شد که مظاهر خرابی‌های جنگ و تورم در اقتصاد زده شده و برنامه بازتوزیع زمین‌های کشت به اجرا درآمد و مقرر شد تا سال ۱۹۵۶ بخش کشاورزی را نیز به‌طور کامل دربرگیرد و اجرای برنامه به سال سوم (۱۹۵۳) موکول شد که یازده برنامه پنج‌ساله تهیه و تدوین و به اجرا درآمده است که در ادامه به مرور هر یک از این برنامه‌ها پرداخته شده است (تشکینی و شفيعی، ۱۳۸۷: ۱۴).

### ۲-۱. برنامه پنج‌ساله توسعه اول (۱۹۵۳-۱۹۵۷)

اولین برنامه توسعه با هدف دستیابی به جایگاه یک قدرت صنعتی در عین برخورداری از رشد همزمان در صنعت و کشاورزی تدوین و اجرا شد. این برنامه از سوی شورای مرکزی حزب کمونیست چین<sup>۱</sup> (CPC) با اولویت دستیابی به رشد همزمان در صنعت و کشاورزی تدوین شد. اهداف اصلی این برنامه عبارت بودند از:

- احداث ۶۹۴ پروژه صنعتی بزرگ و متوسط،

- توسعه تعاونی‌های کشاورزی برای کمک به تبدیل صنایع دستی و کشاورزی

به‌صورت سوسیالیستی،

- ایجاد انحصارات دولتی در خصوص صنایع بازرگانی و تجاری به منظور سهولت تبدیل صنایع خصوصی و بازرگانی در قالب نظام سوسیالیستی. هدف و تلاش اصلی برنامه پنج‌ساله اول چین در جهت گسترش بخش صنعت در این کشور بود (تشکینی و شفیع، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۴) و بر ساختارهای صنعتی (پروژه‌های ساختمانی)، صنایع دستی و کشاورزی و گسترش صنایع بازرگانی در اشکال مختلف سرمایه‌داری دولتی تأکید داشت و همانند برنامه‌های روسیه در این کشور هم برای هر یک از بخش‌های مورد نظر، نرخ رشد هدف تعیین شد و به تناسب آن عملکرد برنامه مورد ارزیابی قرار گرفت.

به لحاظ عملکرد، می‌توان گفت که پیشرفت‌های قابل توجهی در این برنامه مشاهده شد به نحوی که در تولید ناخالص داخلی، میزان سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان، میزان افزایش در دارایی‌های ثابت، ارزش ناخالص تولیدات صنعتی و سهم تولید ناخالص بخش‌های صنعت و کشاورزی در کل تولید به رشد قابل توجهی دست یافتند (تشکینی و شفیع، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۴).

ماهیت این برنامه دستوری بود و تنها مشکل این برنامه آن بود که تولید بخش کشاورزی قادر نبود همگام با تولیدات بخش صنعتی حرکت کند، زیرا باید ۷۰ درصد از ارزش ناخالص تولید بخش صنعت و کشاورزی از طریق تولیدات صنعتی به دست آمده باشد. این امر در حالی به عنوان نماگر مدرنیزه شدن بخش صنعتی این کشور به شمار می‌رفت که توسعه بخش کشاورزی را در برخی زمینه‌ها به دست فراموشی سپرده بود (تشکینی و شفیع، ۱۳۸۷: ۱۶).





## ۲-۲. برنامه پنج‌ساله توسعه دوم (۱۹۵۸-۱۹۶۲)

این برنامه بلافاصله پس از برنامه اول به اجرا درآمد که مقارن با برنامه «جهش بزرگ به سمت جلو» و تشکیل کمون‌ها بود (برنامه جهش بزرگ به سمت جلو از سوی مائو با هدف سرعت بخشیدن به حرکت چین در مسیر توسعه‌ای خود و دستیابی این کشور به جایگاه صنعتی بالاتر بود که در این خصوص کلیه زمین‌های کشاورزی افراد از مالکیت آنها خارج شده و همه آنها مجبور به کار در تعاونی‌های کشاورزی شدند تا علاوه بر تأمین نیاز غذایی کل کشور در صادرات هم سهمی داشته باشند. بنابراین، شکل برنامه و عملکرد آن به نحو بارزی تحت تأثیر قرار گرفت. مائو ابتدا ادعا کرده بود که با اجرای این برنامه پس از گذشت ۱۵ سال شکاف بین چین و انگلستان از لحاظ تولید فولاد از بین خواهد رفت، اما پس از گذشت یک سال (۱۹۵۸) مقرر شد که شکاف بین این دو کشور ظرف مدت یک سال پر شود، در نتیجه در این سال جهشی بزرگ به سمت جلو از سوی این کشور مورد انتظار بود. در این سال بالغ بر ۵۵۰ هزار نفر که در موضع مخالف این برنامه بودند توسط دولت کشته شدند. ظرف مدت کوتاهی از اجرای برنامه، حجم بدهی‌های ناشی از صرف مخارج بر توسعه صنایع سنگین در کشور اوج گرفت. در سال ۱۹۵۹ برخی از نواحی چین دچار خشکسالی شدید و برخی دیگر با سیل روبرو شدند و شرایط قحطی و گرسنگی شدید در کشور به وجود آمد. در این هنگام مشخص شد که این جهش با شکست مواجه شده است؛ بنابراین این برنامه در سال ۱۹۶۰ کنار گذاشته شد و اصلاحات به‌طور عمده در قالب اجرای سیاست تعدیل مجدد، بازسازی، ایجاد انسجام و بهبود

وضع اقتصادی و کمون‌ها اجرا شد؛ اراضی کشاورزی به صاحبان آن بازگردانده شد و کشاورزان اجازه یافتند تا هر مقدار که مایلند مواد غذایی تولید کنند و به قیمت بازار بفروشند. پس تا سال ۱۹۶۲ اوضاع کشاورزی در این کشور بهبود یافت. با این حال جهش بزرگ طی برنامه دوم منجر به بروز عدم توازن‌هایی در اقتصاد ملی، به‌ویژه کسری مالی و همچنین مشقت‌های فراوان برای افراد شد که پیامدهای ناشی از آن تا زمان پایان برنامه همچنان بر جای ماند). بنابراین شکل برنامه و عملکرد آن به نحو بارزی تحت تأثیر قرار گرفت و طی شورایی که توسط (CPC) برگزار شد شرط گذار به سمت جامعه کمونیستی را برخورداری از ساختار سوسیالیستی عنوان کردند. اهداف اصلی این برنامه عبارت بودند از:

- تداوم ساخت صنعتی با تمرکز بر صنایع سنگین، بازسازی فنی و ایجاد زیربنای اساسی درخصوص صنعتی شدن سوسیالیستی چین.  
- استمرار حرکت به سمت سوسیالیستی شدن از طریق گسترش سهم مالکیت‌های جمعی و مالکیت مردمی.

- گسترش بخش صنایع، کشاورزی، صنایع دستی، حمل‌ونقل و بازرگانی.  
- تقویت استعدادها، گسترش تحقیق و توسعه به‌منظور تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی و توسعه سوسیالیستی.

- تأمین نیاز اولیه صنعتی و کشاورزی به‌منظور تقویت دفاع ملی و ارتقای استانداردهای زندگی مردم و آگاهی فرهنگی (تشکیلی و شفيعی، ۱۳۸۷: ۱۹-۱۷).  
ماهیت این برنامه هم دستوری بوده و نتایج عملکرد این برنامه به هیچ‌وجه



رضایت‌بخش نبود، زیرا در بخش کشاورزی ۷۰ درصد و در بخش صنعت ۶۰ درصد و سطح درآمد ملی ایجاد شده نیز ۶۶ درصد از سطح هدف مورد نظر تأمین شد و مهمتر از همه آن بود که در کشوری که اقتصاد آن مبتنی بر کشاورزی است، تولید غلات نیز در سطح پایین بود.

ابتدا قرار بود که برنامه سوم از سال ۱۹۶۳ آغاز شود، ولی به دلیل وجود اختلالات متعدد در اقتصاد، که در نتیجه اجرای برنامه «جهش بزرگ به سمت جلو» ایجاد شده بود، اجرای این برنامه را سه سال به تعویق انداخت. سال ۱۹۶۴ با عنوان «دوره تعدیل مجدد پس از جهش بزرگ» خوانده می‌شد، زیرا طی آن اقتصاد به تدریج به سمت شرایط عادی حرکت داده شد. پس از سپری شدن دوره بازگشت، برنامه پنج‌ساله سوم از سال ۱۹۶۶ به مرحله اجرا رسید (تشکینی و شفیعی، ۱۳۸۷: ۲۰).

### ۲-۳. برنامه پنج‌ساله توسعه سوم (۱۹۶۶-۱۹۷۰)

این برنامه مشتمل بر دو طرح تفصیلی و جامع بود. طرح تفصیلی یک پیش‌نویس اولیه از برنامه بود که از سوی شورای برنامه ریزی دولتی پیشنهاد شده و در سال ۱۹۶۴ به تصویب دولت مرکزی رسیده بود. طرح جامع نیز مشتمل بر مواد تفصیلی ترتیبات اجرای برنامه سوم بود. اهداف این برنامه به شرح زیر بود:

- تقویت دفاع ملی (زیرا احتمال وقوع جنگ در این دوران وجود داشت)،

- تلاش در جهت توسعه کشاورزی،

- حل مشکلات مرتبط با تأمین خوراک، پوشاک و مسکن مردم،

- پیشرفت در زمینه فناوری،

- گسترش زیرساخت‌ها،

- بهبود کیفیت و کمیت تولیدات،

- تلاش در جهت توسعه حمل‌ونقل، تجارت، فرهنگ، آموزش و پژوهش.

این برنامه هم ماهیت دستوری داشته و از نظر عملکرد طبق اهداف مصوب پیش رفت و حتی در دو بخش صنعت و کشاورزی به پیشرفتی بالاتر از سطح هدف دست یافت، اما در این برنامه نیز مانند دو برنامه قبل، پیگیری توسعه سریع بدون آینده‌نگری منجر به بروز مشکلات در اقتصاد ملی چین شد.

#### ۲-۴. برنامه پنج‌ساله توسعه چهارم (۱۹۷۱-۱۹۷۵)

به دلیل تحقق جریان‌ات انقلاب فرهنگی در این کشور، طی این دوران جزئیات برنامه‌های پنج‌ساله به هیچ عنوان انتشار نمی‌یافت و در عین حال سطح هدف در جایی قرار داده می‌شد که دستیابی به آن غیرممکن بود، به همین دلیل در سال ۱۹۷۳ سطح این اهداف مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفت و سطح آنها بجز در مورد بخش فولاد تا حدی کاهش داده شد. پیش‌نویس این برنامه توسط کمیته گروه کمونیست تصویب شد. این برنامه هم مانند سه برنامه اول توسعه ماهیتاً دستوری بوده و اهداف زیر را دنبال می‌کرده است:

- گسترش زیرساخت‌ها،

- توجه به رشد محصولات در بخش کشاورزی و صنعت،



- توجه ویژه به رشد در بخش فولاد.

به لحاظ عملکرد علاوه بر اینکه هزینه‌های تولیدی بیشتر از آن مقداری بود که محاسبه شده بود، در برخی از بخش‌ها به‌ویژه فولاد و پنبه و غلات هم به هدف نرسیدند، اما با این حال چین در مقایسه با سایر کشورها نرخ رشد سریعی را تجربه کرد. ماهیت این برنامه دستوری بوده است (تشکیینی و عریانی).

## ۲-۵. برنامه توسعه پنجم (۱۹۷۶-۱۹۸۵)

این برنامه با برنامه‌های قبلی از دو جهت متفاوت بود:

- این برنامه به‌صورت ده‌ساله تدوین شده بود،

- به‌منظور سنجش اثربخشی در مرحله اجرا، ابتدا اهداف به‌صورت یک‌ساله تعیین شد، که بعداً با مرگ مائو کشور دچار آشفتگی‌های سیاسی شد و اهداف مصوب یک‌ساله در آن با شکست مواجه شد. ماهیت این برنامه نسبت به برنامه‌های قبلی ارشادی‌تر شده بود. اهداف این برنامه علاوه بر تداوم اهداف برنامه قبل عبارتند از:

- گسترش زیرساخت‌ها،

- گسترش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و حجم صادرات و تولید نفت،

- استفاده از ارز برای انجام مبادلات مرتبط با واردات صنایع کارخانه‌ای از

کشورهای سرمایه‌داری.

سطح اهدافی که برای سال ۱۹۸۵ در نظر گرفته شده بود بسیار دور از واقعیت

و غیرمنطقی به‌نظر می‌رسید که این برنامه هم به دو دلیل با شکست روبرو شد:

- سطح هدف تولید مواد نفتی قابل دستیابی نبود،

- امکان تأمین مالی سطح عظیم واردات صنعتی مورد هدف نیز وجود نداشت.

از سال ۱۹۷۸ کمیته مرکزی گروه کمونیستی، نقطه تمرکز خود را به سمت «نوین‌سازی»<sup>۱</sup> در اقتصاد قرار داد. در پایان سال ۱۹۸۰، در پنجمین سال اجرای این برنامه، برنامه پنجم مختومه اعلام شد و برنامه جدید دیگری تحت عنوان برنامه پنج‌ساله ششم، از سال ۱۹۸۱ تدوین و اجرا شد (تشکینی و شفیع، ۱۳۸۷: ۲۳).

#### ۲-۶. برنامه پنج‌ساله توسعه ششم (۱۹۸۱-۱۹۸۵)

در سال ۱۹۸۱ شورای برنامه‌ریزی دولتی و دپارتمان‌های مرتبط با آن پیش‌نویس اولیه برنامه ششم را حاضر کردند، هر چند که سند رسمی این برنامه در سال ۱۹۸۲ آماده و تصویب شد. این برنامه نسبت به برنامه‌های قبل پیچیده‌تر بود و مشتمل بر ۵ بخش و ۳۶ فصل بود و توسعه اقتصادی در مسیر با ثبات‌تری پایه‌ریزی شده بود و از لحاظ ماهیت مانند برنامه قبل بود. اهداف اصلی این برنامه عبارتند از:

- تداوم انجام تعدیلات، اصلاحات و پیشبردها،

- غلبه بر چالش‌های مقابل توسعه اقتصادی،

- کنترل بر مواضع مالی دولت،

- ایجاد زمینه‌ای باثبات برای پیشرفت بیشتر توسعه اقتصادی و اجتماعی،

- کنترل شدید بخش رشد،



- کلیه بخش‌ها با رویکرد اعمال تعدیل ساختاری.

به لحاظ عملکرد در این برنامه دستاوردهای قابل توجهی حاصل شد و حجم مصرف نیز به سرعت افزایش یافت که این مورد در عین حال که مبین گسترش سطح رفاه افراد در این کشور بود، تا حدی منجر به بروز آثار منفی بر ثبات رشد اقتصادی این کشور شد (تشکینی و شفیعی، ۱۳۸۷: ۲۶).

## ۲-۷. برنامه پنج‌ساله توسعه هفتم (۱۹۸۶-۱۹۹۰)

شورای دولت این برنامه را با عنوان «برنامه هفت ساله توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری خلق چین» به کنگره این کشور تسلیم کرد که این اولین مرتبه در تاریخ برنامه‌ریزی چین بود که برنامه‌ای جامع درخصوص توسعه اقتصادی و اجتماعی در ابتدای برنامه پنج‌ساله تدوین شده بود. اهداف این برنامه عبارت بودند از:

- انجام اصلاحات در مطلع برنامه و هماهنگ‌سازی توسعه اقتصادی با اصلاحات،

- حفظ توازن در عرضه و تقاضای اجتماعی کل، بودجه ملی، اعتبارات و مواد اولیه،

- بهبود کارآیی اقتصادی،

- تعدیل ساختار درحال تغییر تقاضای اجتماعی و تقاضاهای موجود برای

نوین‌سازی اقتصادی، همچنین تعدیل بیشتر ساختار صنعتی،

- توسعه بیشتر دانش و آموزش،

- گشایش بیشتر مرزهای کشور به سمت بازارهای خارجی، ترکیب رشد اقتصاد داخلی با تغییرات فنی و اقتصادی خارجی.

دوران پایانی این برنامه در نتیجه انجام اصلاحات بازاری فرآیند برنامه‌ریزی متمرکز کنار رفت و رفته‌رفته به شکل رهنمودی مبدل شد و همچنین، تغییر دیگری در حال وقوع بود و آن تبدیل شدن این کشور از حالت انزوا به یک صادرکننده رو به گسترش بود.

#### ۲-۸. برنامه پنج‌ساله توسعه هشتم (۱۹۹۱-۱۹۹۵)

اجرای این برنامه با تدوین و اجرای یک برنامه ده ساله توسعه اقتصادی - اجتماعی همراه شد که هر دو برنامه در صدد تعدیل ساختارهای صنعتی در این کشور بودند. این برنامه بر نوین‌سازی هر چه بیشتر در اقتصاد و گشایش هر چه بیشتر درهای اقتصاد تأکید داشت؛ به طوری که در رابطه با تجارت خارجی این برنامه گامی فراتر از برنامه هفتم برداشت. این برنامه در صدد بود تا در عین اینکه کیفیت صادرات افزایش می‌یابد، ساختار آن نیز به نحوی تعدیل شود که عمده اقلام صادراتی به کالاهای نهایی برخوردار از ارزش افزوده بالا اختصاص یابد. می‌توان گفت که اجرای این برنامه موفقیت‌آمیز بوده و پیشرفت‌های قابل توجهی نیز در زمینه اصلاحات نظام اقتصادی به انجام رسید و نظام جدید مالی، با تمرکززدایی مالیاتی و بهره‌گیری از مالیات بر ارزش افزوده، ایجاد شد. همچنین تأمین مالی سیاستی و تأمین مالی امور تجاری از یکدیگر منفک شدند. در پایان این برنامه رتبه این کشور به لحاظ حجم





صادرات و واردات در جهان ۱۱ برابر شد و در نهایت، به لحاظ بهبود در سطح زندگی مردم این کشور نیز پیشرفت‌های قابل توجهی حاصل شد. این برنامه ماهیتاً رهنمودی بوده و حالت دستوری داشته است.

#### ۲-۹. برنامه پنج‌ساله توسعه نهم (۱۹۹۶-۲۰۰۰)

این برنامه در سال ۱۹۹۵ تدوین شد و در سال ۱۹۹۶ به اجرا در آمد و بیشتر بر نوین‌سازی اقتصاد، کاهش فقر و تسریع در ایجاد نظام نوین کسب‌وکار تأکید داشت (احمد تشکینی، بهاره عریانی). از جمله اهداف این برنامه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دو برابر ساختن تولید ناخالص داخلی سرانه تا سال ۲۰۰۰،
- کنترل جمعیت و قادر ساختن افراد به برخورداری از یک زندگی مناسب،
- ایجاد یک اقتصاد جامع سوسیالیستی مبتنی بر بازار (ایجاد یک نظام کنترلی کلان در عین تأمین سرعت و کارآیی در چارچوب‌های تنظیمی همگام با قوانین)،
- ارتقای هماهنگ اقتصادهای منطقه‌ای و حذف تدریجی شکاف توسعه میان مناطق،

همچنین دو هدف بلندمدت (تا سال ۲۰۱۰) نیز در این برنامه تعیین شد که عبارت

بودند از:

- دو برابر کردن تولید ناخالص ملی سال ۲۰۰۰،
- تداوم ایجاد نظام اقتصاد بازاری سوسیالیستی.

این برنامه اولین برنامه میان‌مدت در این کشور بود که تحت راهبرد اقتصاد بازاری سوسیالیستی و مجموعه‌ای از راهبردهای توسعه‌ای سابق قرار داشت. در این برنامه تأکید زیادی بر نهادسازی جهت دستیابی به اقتصاد بازار و توسعه صنایع کلیدی صورت گرفته بود. طبق این برنامه، گذار اساسی در برنامه از «اقتصاد متمرکز» به سوی «اقتصاد سوسیالیستی» اتفاق افتاد (تشکینی و شفیعی، ۱۳۸۷: ۳۴).

### ۱۰-۲. برنامه پنج‌ساله توسعه دهم (۲۰۰۱-۲۰۰۵)

این برنامه با تأکید بر بهینه‌سازی و زیرسازی زیرساخت‌های صنعتی، تقویت رقابت‌مندی بین‌المللی و گسترش سطح دانش و فناوری به اجرا درآمد و اهداف زیر را دنبال می‌کرد:

- کنترل و حفظ نرخ بیکاری در سطح ۵ درصد،
- تثبیت قیمت‌ها و حفظ توازن میان درآمدها و مخارج،
- بهینه‌سازی و به‌روز کردن ساختار صنعتی و تقویت قدرت رقابت‌مندی چین در جهان،

- بهبود سطوح IT اجتماعی،
- راه‌اندازی تعداد بیشتری از تسهیلات زیرساختی،
- کنترل پراکندگی میان مناطق و افزایش سطوح شهرنشینی،
- اتخاذ اقدامات جدی‌تر در جهت حفظ و حمایت از منابع طبیعی،
- بهبود خدمات بهداشتی در هر دو مناطق شهری و روستایی، که طی آن زندگی



فرهنگی مردم تقویت و درجه ایمنی اجتماعی آنان افزایش می‌یافت.

این برنامه به‌طور رسمی و با ماهیت رهنمودی توسط شورای دولتی ابلاغ شد که در انتها موفقیت‌آمیز بود، زیرا علاوه بر دستیابی به نرخ رشد بالای اقتصادی، اجرای این برنامه منجر به افزایش نرخ رشد درآمد قابل تصرف خانوارهای شهری شد و همچنین طی این دوران سطح قیمت‌های مصرف‌کننده ۱/۸ درصد، قیمت خرده‌فروشی ۰/۸ درصد و قیمت‌های تولیدکننده ۴/۹ درصد افزایش نشان دادند.

## ۱۱-۲. برنامه پنج‌ساله توسعه یازدهم (۲۰۰۶-۲۰۱۱)

این برنامه مرحله‌ای حساس در ایجاد یک جامعه غنی به‌شمار می‌رود و اولویت‌های مورد نظر این برنامه عبارتند از: اتخاذ رویکردی علمی نسبت به توسعه، بهبود وضعیت نهادها و سازوکارهای موجود، دستیابی به نوآوری مستقل، ارتقای هماهنگی‌های اجتماعی و افزایش توان ملی چین، رقابت‌مندی بین‌المللی و برخورداری از ظرفیت‌های بالا جهت مدیریت ریسک در کلیه جنبه‌های آن، مدیریت توسعه اقتصادی و اجتماعی با بهره‌گیری از مفهوم توسعه تحت نظریه<sup>۱</sup> دنگ شیائوپینگ. این برنامه بر ایجاد ساختار سوسیالیستی جدید (با تأکید بر مناطق روستایی و ایجاد توازن در توسعه مناطق شهری و روستایی)، بهینه‌سازی و به‌روزرسانی ساختارهای صنعتی، ارتقای وضعیت توسعه‌ای مناطق، دستیابی به اقتصادی سازگار با محیط زیست، افزایش گشودگی درهای اقتصاد به سمت بازارهای جهانی و اتخاذ

---

۱. Deng Xiaoping (نظریه توسعه دنگ شیائوپینگ: رشد اقتصادی و رفاه عمومی بر اقتدار سیاسی و امنیتی همراه با گشایش تدریجی اجتماعی).

راهبردهای رشددهنده سطح دانش و فناوری و دستیابی به توسعه انسانی تأکید دارد. به لحاظ عملکرد در این برنامه، می‌توان از یک بررسی مقایسه‌ای برخی نماگرهای اقتصادی (سال ۲۰۰۶) این کشور با کشورهای منتخب (تایلند، مالزی، هنگ‌کنگ، تایوان، سنگاپور، فیلیپین، ویتنام، کره جنوبی، اندونزی) بهره گرفت. به طوری که به لحاظ سطح تولید ناخالص داخلی کشور چین در مقام اول، کره جنوبی در مقام دوم و تایوان در مقام سوم قرار دارند و از لحاظ تولید ناخالص داخلی سرانه در همان سال (۲۰۰۶) این کشور (کشور چین) در رتبه هفتم در میان ۱۰ کشور قرار گرفت. از لحاظ نرخ رشد چین رتبه اول و سنگاپور و ویتنام به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند و در نهایت در مقایسه رشد قیمت‌های مصرف‌کننده این کشور در مقام سوم پس از تایوان و سنگاپور قرار دارد. به طور کلی کشور چین در حالی رشد بالا را تجربه می‌کند، که نرخ رشد قیمت‌ها را نیز تحت کنترل درآورده است.

### ۳. نقش دولت در توسعه اقتصادی کشور چین

در ارتباط با نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی چین می‌توان متذکر شد که از سال ۱۹۴۹ دولت تحت سیستم سیاسی و اقتصادی، مسئولیت برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصاد ملی را بر عهده گرفت. در اوایل دهه ۱۹۵۰، سیستم تجارت خارجی توسط دولت به صورت انحصاری درآمد. تمامی سازمان‌های خدمتگذار تحت مالکیت دولت درآمد و دولت برای کالاهای کلیدی قیمتگذاری می‌کرد و سطح و توزیع عمومی وجوه



سرمایه‌گذاری‌ها را کنترل می‌نمود و همچنین اهداف خروجی برای سازمان‌ها و شعبه‌های مختلف را معین می‌کرد و منابع انرژی را تخصیص می‌داد، دستمزدها و استخدام‌ها را تنظیم می‌کرد، شبکه‌های خرده‌فروشی و عمده‌فروشی را ایجاد می‌نمود و سیستم‌های بانکداری و سیاست‌های مالی را هدایت می‌کرد. دولت در اواسط دهه ۱۹۵۰ در حومه شهر الگویی از محصولات ایجاد نمود، سطوح قیمت‌ها را تنظیم نمود و اهداف خروجی برای کلیه محصولات اصلی را به تثبیت رساند. از سال ۱۹۷۸ (اواسط برنامه پنج‌ساله پنجم) در زمانی که اصلاحات اقتصادی انجام پذیرفت، تغییر کارکردها به سمت افزایش نقش بازار در تخصیص منابع صورت گرفت و نقش دولت در اقتصاد به پایین‌ترین درجه کاهش یافته است. خروجی‌های صنعتی سازمان‌های دولتی (تولیدات صنعتی دولتی) به آرامی کاهش یافته و تنها امروزه چند صنعت وجود دارند که وابسته به دولت هستند. از زمانی که نقش دولت در مدیریت اقتصاد کاهش یافته و نقش شرکت‌های خصوصی و محرک‌های بازار افزایش یافته است، دولت نقش اصلی را در اقتصاد شهری بر عهده گرفته است. با توجه به سیاست‌های دولت در مواردی چون تولیدات کشاورزی، همچنان دولت نقش اصلی را در کارآیی بخش روستایی ایفا می‌کند. براساس قانون اساسی سال ۱۹۸۲ مشخص شد که دولت به واسطه تصمیم‌سازی‌های گسترده در سیاست‌ها و اولویت‌های اقتصادی، توسعه اقتصادی کشور را هدایت خواهد کرد و مجلس به واسطه انجام کنترل اجرایی، بخش‌های وابسته را در تهیه و اجرای طرح اقتصادی ملی و بودجه دولت هدایت می‌کند. تجارت خارجی توسط وزارت بازرگانی، گمرک و بانک چین، هدایت می‌شود. از زمانی که محدودیت‌های تجارت خارجی کاهش یافتند، فرصت‌های بسیاری برای

سازمان‌های مستقل برای مشارکت در تبادلات با شرکت‌های خارجی بدون مداخله آژانس‌های دولتی پدید آمد. اگرچه هنوز دولت، اقتصاد را در بخش‌ها کنترل می‌کند، ولی بخش عمده کنترل آن توسط حجم زیادی از فعالیت‌های اقتصادی محدود شده است. از این گذشته، مفهوم هدایت دولت بر اقتصاد از کنترل مستقیم به هدایت غیرمستقیم تبدیل شده و منجر به اقتصاد پویاتری شده است. این نظام اقتصادی برنامه‌ریزی مرکزی و توزیع جنسی کالا به شیوه شوروی بوده و مالکیت دولتی نسبت به دیگر انواع مالکیت تفوق کامل داشت. قدرت تصمیم‌گیری عمدتاً در دست وزارتخانه‌های دولتی بود در ایجاد انگیزه از ابزارهای اقتصادی استفاده نمی‌شد و ابزارهای سیاسی دست بالا را داشت. شیوه توزیع هم در جهت ایجاد برابری بود.

#### ۴. نحوه تهیه و تدوین برنامه

اولین نهاد تدوین برنامه در کشور چین کمیسیون برنامه‌ریزی کشور<sup>۱</sup> (SPC) نام داشت که در سال ۱۹۵۲ تشکیل شد. این کمیسیون در سال ۱۹۹۸ تغییر نام داده و به کمیسیون توسعه برنامه‌ریزی توسعه کشور<sup>۲</sup> (SDPC) تبدیل شد که بعد از ادغام با اداره شورای دولتی مجدداً تجدید ساختار داده و به کمیسیون برنامه‌ریزی و اصلاحات<sup>۳</sup> (NDRC) تغییر نام داد و به‌عنوان بالاترین نهاد برنامه‌ریزی چین معرفی شد. این کمیسیون زیر نظر شورای دولتی (هیئت دولت) چین است که سیاست‌های

1. State Planning Commission

2. State Development Planning Commission

3. National Development and Reform Commission



مربوط به توسعه اقتصادی و اجتماعی را تدوین کرده و نوعی توازن در مجموعه‌ها و خط‌مشی‌های اقتصادی درخصوص ساختارسازی کل نظام اقتصادی ایجاد می‌کند. در تدوین برنامه ابتدا شرایط موجود شناسایی شده و بعد اهداف کیفی و کمی تعیین می‌شوند. در مرحله بعد پس از ارزیابی آثار ناشی از اجرای برنامه درخصوص اجرای برنامه مناسب‌ترین اقدامات پیشنهاد می‌شود و در آخر دستورالعمل‌ها و گزارشات مرتبط با برنامه تدوین شده و با انجام کنترل‌های نهایی، برنامه آماده اجرا می‌شود. این فرآیند یک فرآیند عمومی است؛ اما اینکه در عمل چه فرآیندی طی شود بستگی به شرایط حاکم در هر برنامه دارد.

برای مثال مراحل تدوین برنامه پنج‌ساله یازدهم عبارت است از: اولین مرحله آماده‌سازی است که حدود ۲ سال به طول انجامید که ابتدا در سال ۲۰۰۳ خط‌مشی‌های اصلی برنامه مشخص شدند و بعد از تحقیقات، مطالعات امکان‌سنجی، ارائه پیش‌نویس و مشاوره‌های تخصصی اسناد مرتبط با برنامه جمع‌آوری شد. در مرحله بعد کارگروهی متشکل از متخصصان رشته‌های مختلف تشکیل شد که وظیفه آنها تدوین پیش‌نویس اولیه برنامه بود بعد از متخصصان بخش صنعت نظرخواهی شد و همچنین طی یک دوره ۶۰ روزه از طریق رسانه‌های جمعی از ۵۰۰۰ نفر از عموم مردم درخصوص پیش‌نویس برنامه نظرخواهی به عمل آمد و بعد سند پیشنهادی نحوه توسعه و تکامل خطوط اصلی برنامه (در سال ۲۰۰۵)، توسط گروه کمونیست چین به تصویب رسید که در آخر مشابه با پیش‌نویس اولیه هر یک از مراحل توسعه خطوط کلی برنامه تحت تنظیم در آمد (تشکیلی و شفيعی، ۱۳۸۷: ۳۹ - ۴۰).

## ۵. نحوه نظارت و بازرسی در کشور چین

در کشور چین وظیفه مهم نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها بر عهده وزارت نظارت است و در واقع وزارت نظارت به‌عنوان رکن نظارتی و بازوی کنترلی دستگاه‌های دولتی در چین عمل می‌کند که به‌عنوان یک سازمان نظارتی و بازرسی اداری، ضامن اجرای صحیح احکام دولت است که براساس الگوی ایجاد دولت پاک، بر نحوه کارکرد و همچنین عملکرد صحیح دستگاه‌های دولتی نظارت دارد. در اکتبر سال ۱۹۴۹ و همزمان با تأسیس دولت جمهوری خلق چین، کمیسیون نظارت تحت کنترل دولت مرکزی تشکیل شد. در سپتامبر ۱۹۵۴ این کمیسیون به وزارت نظارت تغییر نام داد. در آوریل ۱۹۵۹ و در زمان بازسازی ساختاری در بدنه جمهوری خلق، وزارت نظارت ملغی شد و دوباره در جولای ۱۹۸۷ با تصویب کمیته دائمی کنگره ششم ملی خلق دوباره شروع به کار کرد و به دنبال آن تمام دولت‌های محلی در تمام سطوح اقدام به تأسیس ارگان‌های نظارتی کردند. در نهم می ۱۹۹۷ قانون جمهوری خلق چین در مورد نظارت دولتی به تصویب رسید و به موجب آن وظایف نظارت به شکل امروزی آن جنبه قانونی گرفت.

قانون اساسی جمهوری خلق چین تصریح دارد که شورای دولتی وظیفه نظارت را عهده‌دار است و در واقع وزارت نظارت به‌عنوان زیرمجموعه شورای دولتی، از طرف آن شورا، کار نظارت را در سراسر کشور بر عهده دارد. براساس قانون جمهوری خلق چین وزارت نظارت عمل نظارت بر سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی زیر را بر عهده دارد:

مجموعه وزارتخانه‌ها و ارگان‌ها و سازمان‌های زیر نظر شورای دولتی،





تشکیلات استانی دولت در تمام استان‌ها، مناطق ویژه شهرداری و مناطق خودمختار، نظارت بر عملکرد دستگاه‌های نظارتی در سایر استان‌ها، در نشست سوم و چهارم شانزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین موضوع نظارت و ایجاد راهکارهای جدید برای تقویت آن یکی از مباحث اصلی کنگره بود. به موجب مصوبات نشست‌های یاد شده برنامه‌ای ارائه شد و به تصویب رسید که ایجاد دولت پاک به‌عنوان شعار اصلی و محوری حزب مطرح شد.

براساس اساسنامه وزارت نظارت، وزیر نظارت و چهار معاون وی کنترل امور را در دست دارند. وزیر و معاونان وی نشست‌های منظمی به‌منظور بحث و تبادل نظر در مورد امور محول دارند. وزیر نظارت به‌عنوان یکی از اعضای شورای دولتی توسط نخست‌وزیر معرفی می‌شود و با تصویب کمیته دائمی کنگره ملی خلق، توسط رئیس‌جمهور تعیین می‌شود. دوره وزارت وی پنج سال است که در صورت تصویب می‌تواند برای یک دوره دیگر نیز این سمت را بر عهده داشته باشد.

۲۱ دایره اداری در وزارت نظارت فعالیت می‌کنند که شامل اداره‌های کل و اداره‌های تخصصی است. از مجموعه یاد شده ۸ اداره کل مسئول امور اجرایی است. ۴ اداره کل مسئول بررسی امور وزارتخانه‌های دیگر و کارکنان آنها در مرکز و ۴ اداره کل دیگر مسئول بررسی امور بخش‌های دولتی و کارکنان در سایر استان‌ها هستند. از دیگر اداره‌های کل وزارت نظارت می‌توان به اداره کل آموزش، اداره کل بررسی‌های موردی، اداره کل قوانین و مقررات، اداره کل پرسنلی، اداره کل امور خارجی، بخش گزارش‌ها و... اشاره کرد.

وزارت نظارت در شهر پکن در مجموع ۸۰۰ نفر کارمند دارد که این رقم جدای از

کارکنان مربوط به اداره‌های مرکزی در استان‌ها و شهرستان‌هاست که مسئولیت امور نظارتی استان‌ها و شهرستان‌ها را به عهده دارند. وظیفه کارکنان مرکز علاوه بر پیگیری امور نظارتی در پایتخت، تنظیم امور مرکز با سایر استان‌ها و شهرستان‌هاست. علاوه بر آن در تمام وزارتخانه‌های دولتی نیز دفتری درخصوص مباحث نظارتی فعالیت می‌کند.

وزارت نظارت ۸ مسئولیت کلان را بر عهده دارد: بازرسی و رسیدگی به مشکلات سازمان‌های دولتی، تعقیب و بازرسی نحوه کارکرد کارکنان دولت در اجرای امور کشوری، بررسی موارد سوءاستفاده مسئولان از موقعیت اداری و بررسی دادخواهی‌های کارکنان دولت، نظارت و بررسی جرائم و تخلفات، نظارت بر انجام مجازات‌ها پیگیری امور محول از سوی دولت، بررسی و پیگیری نحوه و میزان مالیات و تبیین راهکارهای مناسب برای بهبود ساختار مالیاتی، کنترل گزینش نیروهای دولتی، پیگیری شکایت‌های مردمی درخصوص نحوه عمل بخش‌های دولتی و همچنین کارکنان دولت. به عبارت دیگر مجموعه فعالیت‌های وزارت نظارت در سه عبارت خلاصه می‌شود: پیگیری حقوق دولت، بازرسی و نظارت، آموزش کارکنان دولت و ارائه الگوهای لازم برای تعریف حدود اختیارات و وظایف. براساس قانون اساسی چین، وزارت نظارت حق بازرسی، رسیدگی، توصیه و در نهایت تنبیه را دارد.

**در مرحله اول:** وزارت نظارت می‌تواند نحوه اجرای قوانین، مقررات و سیاست‌های دولت را توسط ارگان‌های اجرایی و اداری و کارکنان آن مورد رسیدگی قرار دهد.



در مرحله دوم: می‌تواند به موارد نقض قانون، مقررات و سیاست‌ها و نظم اداری را توسط ارگان‌های اداری یا کارکنان آنها صورت گرفته است، رسیدگی کند.

در مرحله سوم: می‌تواند به بخش‌های مربوط برای رفع مشکل توصیه‌هایی ارائه کند و در مقابل، بخش‌های مربوط مکلف به اجرای توصیه‌های ارائه شده، هستند.

در مرحله آخر: وزارت نظارت می‌تواند براساس بررسی‌هایی که به‌عمل آمده است، اقدام به صدور حکم عدم لیاقت، تنزل درجه کاری و حتی انفصال از خدمات دولتی کند. شیوه عمل در وزارت نظارت بدین ترتیب است که براساس قانون و مقررات قوانین کشوری و شورای دولتی، بازرسی‌هایی به‌صورت منظم و نامنظم از بخش‌های مختلف به‌عمل می‌آورد. گفتنی است، این روند طی سال‌های اخیر به‌ویژه در بخش‌های اقتصادی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است.

نحوه کار وزارت نظارت به این شکل است که در مرحله اول نظارت و بررسی در مرحله بعد بازرسی و در مراحل بعدی بازرجویی و در نهایت نیز در صورت نیاز مجازات اعمال خواهد شد.

مجازات نیز خود بر چند قسم است: در مرحله اول، احضار، مرحله بعد اخراج فرد از پست دولتی و در مراحل سخت‌تر، مجازات‌های نقدی و حتی می‌تواند حبس و اعدام را در پی داشته باشد که درخصوص چنین مجازات‌هایی سیر پرونده در سایر بخش‌های دولتی نظیر دیوان عالی خلق و دادستانی عالی خلق دنبال خواهد شد. گستره فعالیت‌های وزارت نظارت خیلی وسیع است. کارکنان وزارت نظارت از نیروهای متخصص هستند و در فرآیندی طولانی انتخاب و استخدام می‌شوند.

با توجه به اقتصاد بسته و دولتی چین و سیطره دولت بر تمام امور، در چند سال اخیر، بررسی نحوه اجرای قوانین مربوط به خصوصی‌سازی یکی از مهمترین وظایف وزارت نظارت بوده است.

در حال حاضر دولت برنامه‌های نظارتی را از ۶ کانال رسمی به‌ترتیب زیر تعقیب می‌کند:

- کنگره ملی خلق مرکز،

- استان‌ها و شهرستان‌ها،

- کمیسیون نظارت حزب کمونیست چین به‌عنوان حزب حاکم،

- وزارت نظارت،

- نظام قضایی کشور،

- دواير حسابرسی،

- نظارت عمومی و مردمی.

از جولای ۱۹۸۷ و پس از شروع به کار مجدد وزارت نظارت، وزارت نظارت سالیانه تعداد قابل ملاحظه‌ای از بازرسان و کارشناسان خود را برای آموزش به خارج از کشور (آمریکا و کشورهای اروپای غربی) اعزام می‌کند و تبادل استاد و دانشجو با سایر کشورها یکی از برنامه‌های مورد توجه بخش بین‌الملل وزارت نظارت است (سازمان بازرسی، ۱۳۸۶).



## ۶. الگوی توسعه در کشور چین

پس از انقلاب ۱۹۴۹ و حاکمیت کمونیست‌ها بر این کشور و با عبور از سال‌های نخستین انقلاب، همواره دو جناح قدرت در حزب کمونیست چین ظرفیت‌های ملی را به صورت مشارکتی اداره کرده و در رهبریت این کشور به بحث‌های جدی پرداخته‌اند. در یکی دو دهه نخست انقلاب، این مباحث تحت تأثیر مائو و یاران او از رنگ و بوی چندانی برخوردار نبود، اما همواره سؤالاتی نظیر آیا اقتصاد دولتی و گسترش بدنه دولت به نفع مردم چین است یا خیر؟ در میان نخبگان و کادرهای حزبی جریان داشت. ماجرا از دهه ۱۹۸۰ و با قدرت‌گیری بیشتر جناح عمل‌گرا و اصلاح‌طلب خسته از انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶-۱۹۷۶) وارد مدار جدیدی شد و تفکر عمل‌گرایانه به جای تفکر ایدئولوژیک و جهان‌ستیز گفتمان غالب جامعه گشت. در این مرحله شعارها و گفتمان دوران دگرذیسی، تبدیل سیاست‌های آرمانی به سیاست‌های ملی بود و تغییرات ساختاری و جوهری آغاز شد. در سیاست خارجی، جمهوری خلق چین اصول پایداری را در مدار سیاست خارجی خود قرار داد و آن را ۵ اصل همزیستی مسالمت‌آمیز خواند (احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، عدم تجاوز، عدم مداخله در امور دیگران، برابری و نفع متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها). بر این اساس چین بر صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی، پرهیز از هرگونه تنش با همسایگان و قدرت‌های مهم و اصرار بر حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات و اجتناب از هرگونه رقابت و مسابقه برای تعریف حوزه نفوذ و قدرت روی آورد. در این راستا، حزب کمونیست با کنار گذاشتن آرمان‌گرایی

مبتنی بر تفکرات حزبی و سوسیالیستی در روابط بین‌المللی، تمرکز بر تأمین منافع ملی و پرهیز از مواضع پرهزینه را برگزید. اتخاذ این سیاست‌ها حاصل ارزیابی واقع‌گرایانه از توان و قدرت پکن و اجتناب از سیاست‌های شتابزده، سریع‌الوصول و زود بازده بود. بنابراین، روشن است که برگزیدن سیاست‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده در حوزه‌های علوم، فناوری، تحقیقات و تجارت، شرایط رو به رشد و پیشرفت چین را فراهم ساخته است. واقع‌گرایی حزب کمونیست چین، خطرپذیری و بی‌باکی دنگ شیائوپینگ و فشارهای اقتصادی سه عامل اصلی برای گذار چین از دوره (۱۹۴۹-۱۹۷۹) بود که به «دوره اول چین» مشهور است و الگوی توسعه چین در آن دوران اتحاد جماهیر شوروی بود. ژانویه سال ۱۹۷۹ در تاریخ چین نقطه عطفی تاریخ‌ساز محسوب می‌شود و سفر دنگ به ایالات متحده و انعقاد قراردادهای همکاری علمی و فنی دوجانبه، پیوندهای نوینی برای انتقال تجارب علمی جهان به چین فراهم کرد. در این مرحله صدها هزار چینی در قالب تیم‌های آموزشی و کاری و تحصیلی به خارج رفتند و سلسله‌ای از دانشمندان و مدیران و مهندسان تواندیش چینی پدیدار شد.

از نظر اجرایی، در فاصله سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۵ میلادی ایده مناطق ویژه اقتصادی و پارک‌های فناوری دنبال شد و طرح‌های ویژه‌ای به اجرا گذارده شد. این اقدامات در قالب مدل توسعه چین شکل گرفت. مدل و الگوی توسعه چین که عموماً به «اجماع پکن» معروف است، عبارت بود از: رشد اقتصادی و رفاه عمومی بر مدار اقتدار سیاسی و امنیتی، همراه با گشایش‌های تدریجی اجتماعی؛ این الگو جهت‌دهنده



تمامی برنامه‌ها و موتور حرکت اقتصاد چین قرار گرفت. در اصل مدل توسعه چین، ترکیبی از عقلانیت و نظم عقلایی و سودمحور غربی، همراه با ویژگی‌های بومی چینی است. در این مسیر اصلاحات نهادی و قانونی در بخش‌های مختلف دولتی به شکلی وسیع و همه‌جانبه صورت گرفت و این اصلاحات همچنان ادامه دارد (وردی‌نژاد). کشور چین درحالی که تجارت خود را به سرعت گسترده می‌کند، سعی دارد مطمئن شود که درحال تقویت الگوی توسعه مربوط به خود و نه تحریف آن است. الگوی توسعه، متکی به خود استراتژی توسعه‌ای است که با استراتژی توسعه رشد همراه با توزیع کاملاً مرتبط است، اما الگوی سازمانی و انگیزشی متفاوتی دارد (جمعه‌پور، ۱۳۸۷). در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که آنچه امروز چین را به «کارخانه دنیا» تبدیل کرده و به توسعه سریع علوم و فناوری و جهانی شدن این اقتصاد انجامیده است، شناخت همه‌جانبه و دقیق تحولات اقتصادی دنیا و بهره‌گیری مناسب و بهنگام از امکانات جهانی و اقتصاد بین‌المللی است.

### جمع‌بندی

اقتصاد چین طی سال‌های برنامه‌ریزی در این کشور دچار تحولات عمده‌ای شده است، به نحوی که از یک نظام با برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصادی آزاد با رشد سریع مبدل شده است به طوری که از دهه ۱۹۷۰ به بعد برنامه‌ریزان چینی دریافتند که برنامه‌ریزی متمرکز لزوماً به معنای برخورداری از اقتصاد سوسیالیستی نیست و همچنین برنامه‌ریزی اقتصادی تضادی با اقتصاد بازار ندارد و روند توسعه این

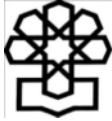
کشور از رویکرد اصلاح بخشی به رویکرد اصلاح همه‌جانبه تغییر یافت و سیاست‌های درهای باز به‌منظور ترکیب اقتصاد سوسیالیستی و اقتصاد آزاد اتخاذ شد. درحال حاضر این کشور به سمت برخورداری از یک اقتصاد نوین سوسیالیستی درحال حرکت است. برنامه‌ریزی چین از نظر موضوعی مثل شوروی سابق ابتدا تأکید بر صنایع سنگین به روش مرکزی بود، اما در طی زمان تنها به تعیین راهبردها به رهنمودهای کلی، هدف‌های ارشادی پرداخته و تشکیلات برنامه‌ریزی هم محدود شده است. به‌طوری که تا سال ۱۹۷۰ ماهیت برنامه‌ها دستوری بوده و با گذشت زمان به سمت ارشادی شدن حرکت کرده و از اواسط سال ۱۹۹۰ با بحث احیای دولت برنامه‌ها از حیث ماهیت ارشادی‌تر شده‌اند. حوزه‌های مورد تأکید برنامه‌ها، ابتدا توسعه زیرساخت‌های صنعتی و بعد کشاورزی بوده، اما در ادامه به نوین‌سازی اقتصاد و گشایش بیشتر درهای اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است و هم‌اکنون عمده تمرکز برنامه‌ریزان بر راهبردهای بهبوددهنده سطح دانش و توسعه انسانی بالاتر در کنار گسترش سطح رقابتمندی قرار دارد. اهداف برنامه‌های چین در طول زمان به سمت رشد اقتصادی و ایجاد تعادل میان تقاضا و عرضه کل متحول شده است. برنامه‌ها از مالکیت دولتی دفاع کرده و تخصیص منابع طبق برنامه و تعیین قیمت‌ها توسط دولت بود. در این کشور برنامه‌ها به‌صورت پنج‌ساله تهیه می‌شود. از سال ۱۹۳۵ تا ۲۰۰۵ تعداد ۱۰ برنامه تهیه و اجرا شد و هم‌اکنون یازدهمین برنامه درحال اجراست.





## منابع و مآخذ

۱. اویسی، داوود. بررسی اجمالی الگوهای توسعه در ایران - توسعه در هزرتوی فراموشی، بی‌تا، نمایه شده در [owaysee.blogfa.com](http://owaysee.blogfa.com)
۲. تشکینی، احمد و افسانه، شفیعی. تجربه برنامه‌ریزی در کشور چین، ۱۳۸۷ نمایه شده در <http://dpea.moc.gov.ir>
۳. تشکینی، احمد و دیگران. بررسی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران و کشورهای منتخب، ۱۳۸۷، نمایه شده در <http://www.spac.ir>
۴. جمعه‌پور، محمود. دانش بومی، بومی‌سازی و نقش آن در توسعه پایدار جوامع محلی، ۱۳۸۷، نمایه شده در <http://www.it-robot.blogfa.com>
۵. سیستم بازرسی و نظارت در کشور چین، سازمان بازرسی کل کشور، ۱۳۸۶.
۶. چین در یک نگاه، سفارت جمهوری خلق چین در ایران، ۲۰۰۵.
۷. شیرزادی، رضا. تحلیلی بر روند توسعه اقتصادی در چین، مجله برنامه و بودجه، ش ۷، ۱۳۸۷.
۸. وردی‌نژاد، فریدون. ویژگی‌های الگوهای رشد اقتصادی چین، بی‌تا، نمایه شده در <http://www.verdinejad.com>
9. Berger R, Economic Planning in china, In Maxwell N, ed. China's road to development 2nd enlarged ed. Elmsford, New York, Pergamon Press, Popline Doc, 1979.
10. Cheng, Cheng and Wang Zhengxu, Public Private Partnership in China: Making Progress in a Weak Governance Environment, The University of Nottingham, China policy institute, 2009.
11. Mario, Bejer, David Burton, Steven Dunaway and Gyorgy Szapary, China: Economic Reform and Macroeconomic Management, IMF, 1991.
12. Michael W. Bell, Hoe Ee Khor, and Kaplana Kochhar, China at the Threshold of a Market Economy", IMF, 1993.



شماره مسلسل: ۱۲۵۸۸

مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران  
۸. برنامه‌ریزی توسعه در کشور چین

نام دفتر: مطالعات برنامه و بودجه (گروه برنامه)  
تهیه و تدوین‌کنندگان: اسماعیل صفرزاده، ایمان تهرانی  
ناظر علمی: محمد قاسمی  
مقتضی: معاونت اقتصادی  
ویراستار تخصصی: —  
ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. برنامه
۲. برنامه‌ریزی
۳. برنامه توسعه

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۷/۴